

The Model of Faithful Governance: A Structural Analysis Using the Grounded Theory Approach

(Received: 2025-09-25 Acceptance: 2025-12-09)

Seyedsajjad Aleseydegfour 

Abstract

In a context where Islamic societies are in search of indigenous and religious models for governance, the absence of a comprehensive and systematic theoretical framework that places faith at the center of all aspects of governance is identifiable as a fundamental issue. This research, aiming to address this gap, has extracted the model of faith-based governance from all verses of Surah Al-Mu'minun and has utilized a combined method including structural interpretation and grounded theory. In the research process, first, through structural interpretation, the framework and internal logic of the verses were identified, and then, through open, axial, and selective coding, the Qur'anic data were analyzed and transformed into an indigenous theory. The findings indicate that the core category of this model is the "community of the prosperous," which instills prosperity in all dimensions of collective life (spiritual, security-related, economic, political, and cultural). Among the most important extracted components are lawfulness based on trust and covenant, comprehensive security provision, economic justice through zakat, unity-oriented approach, social responsibility, governance based on logic and discourse, and purposefulness in policy-making. This model has the potential to be used as a theoretical and practical framework for designing an Islamic governance system in societies seeking indigenous models.

Keywords: Islamic Governance, The Model of Faithful Governance, Surah Al-Mu'minun, Structural Interpretation, Grounded Theory, Qur'an-based Political System

مطالعات اجتماعی و فرهنگی
رضاندر

دوره چهارم

شماره دوم

پیاپی: ۸

پاییز و زمستان

۱۴۰۴

PhD in Political Science from Baqir Al-Olum University and Official Researcher at the Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran. aleghafoor@gmail.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

حکمرانی مومنانه در نظام اسلامی؛ الگوی بومی حکمرانی اسلامی بر پایه قرآن

(تاریخ دریافت: ۰۳-۰۷-۱۴۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۸-۰۹-۱۴۰۴)

سید سجاد آل سیدغفور 

چکیده

در شرایطی که جوامع اسلامی در جست‌وجوی الگوهای بومی و دینی برای حکمرانی هستند، فقدان چارچوب نظری جامع و نظام‌مندی که ایمان را محور تمامی شئون حکمرانی قرار دهد، به عنوان مسئله‌ای اساسی قابل‌شناسایی است. این پژوهش با هدف پاسخ به این خلأ، به استخراج الگوی حکمرانی مومنانه از تمامی آیات سوره مومنون پرداخته و از روشی تلفیقی شامل تفسیر ساختاری و نظریه داده‌بنیاد بهره‌برده است. در فرآیند پژوهش، ابتدا با تفسیر ساختاری، چارچوب و منطق درونی آیات شناسایی شد و سپس از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی، داده‌های قرآنی تحلیل و به نظریه‌ای بومی تبدیل گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد که مقوله محوری این الگو، «جامعه رستگاران» است که رستگاری را در تمامی ابعاد زندگی جمعی (معنوی، امنیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) جاری می‌سازد. از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های استخراج‌شده می‌توان به قانونمندی مبتنی بر امانت و عهد، تأمین امنیت همه‌جانبه، عدالت اقتصادی از طریق زکات، وحدت‌گرایی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، حکمرانی مبتنی بر منطق و گفتمان، و هدفمندی در سیاست‌گذاری اشاره کرد. این الگو قابلیت آن را دارد که به عنوان چارچوبی نظری و کاربردی برای طراحی نظام حکمرانی اسلامی در جوامع خواهان الگوهای بومی مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: حکمرانی اسلامی، الگوی حکمرانی مومنانه، سوره مومنون، تفسیر ساختاری، نظریه داده‌بنیاد، نظام سیاسی قرآن بنیان



۱. مقدمه

قرآن کریم، به عنوان کتاب الهی و جامع‌ترین منبع هدایت بشری، آموزه‌های خود را تنها در قالب توصیه‌های فردی و عبادی محض محدود نکرده، بلکه اخلاق و عبادت را به عنوان بنیان‌های معنوی و ارزشی ضروری برای شکل‌دهی به نظام اجتماعی ارائه می‌دهد و در کنار آن، چارچوب‌های نظام‌مند برای سامان‌دهی ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی زندگی انسان نیز ترسیم می‌کند. هدف نهایی این برنامه جامع، تحقق فلاح به عنوان رستگاری در دو ساحت دنیا و آخرت است.

تحقق فلاح تنها از طریق تهذیب فردی میسر نمی‌شود، بلکه مستلزم نهادینه شدن ارزش‌ها در ساختارهای اجتماعی است. از این منظر، قرآن تنها یک کتاب اخلاق نیست، بلکه برنامه‌ای برای حکمرانی و برنامه‌ریزی دقیق برای سامان‌دهی جامعه است. پرسش محوری این است که قرآن چه سازوکارهایی برای این نهادینه‌سازی پیشنهاد می‌کند؟

در این میان، سوره مومنون به دلیل تمرکز ویژه بر صفات مؤمنان و شاخص‌های جامعه ایمانی، ظرفیت بالایی برای استخراج الگوهای حکمرانی دارد. این سوره، با وجود کوتاهی نسبی در تعداد آیات (۱۱۸ آیه)، غنای مفهومی چشمگیری دارد و در واقع یک «منشور ایمانی و اخلاقی» برای ساخت جامعه‌ای مطلوب ارائه می‌کند. این منشور، از فرد آغاز شده و به جامعه ختم می‌شود؛ یعنی با توصیف ویژگی‌های فرد مؤمن، زمینه‌ی شکل‌گیری جامعه‌ای مؤمن را فراهم می‌آورد. این رویکرد قرآنی، در تقابل با دیدگاه‌های سکولار و لائیسیتی است که حکمرانی را از اخلاق و دین جدا می‌دانند و آن را صرفاً به عنوان یک سازوکار فنی و اداری تلقی می‌کنند.

انقلاب اسلامی ایران، با شعار بازگشت به آموزه‌های ناب اسلامی، در پی تأسیس نظم سیاسی‌ای بود که مفاهیمی بنیادین چون عدالت، ایمان، مسئولیت‌پذیری و خدمت به مردم را در کانون حکمرانی قرار دهد. چنان‌که مرور آثار نظریه‌پردازان اصلی انقلاب، همچون امام خمینی در کتاب ولایت فقیه (۱۳۶۱) و شهید مطهری در عدل الهی (۱۳۷۷)، به وضوح گویای این آرمان‌ها به عنوان مبانی مشروعیت نظام است.

در نتیجه، این الگو می‌تواند به عنوان چارچوبی نظری و کاربردی برای طراحی نظام حکمرانی اسلامی، به ویژه در جوامعی که در جست‌وجوی الگوهای بومی و دینی هستند، مورد استفاده قرار گیرد.



دوره چهارم
شماره دوم
پیاپی: ۸
پاییز و زمستان
۱۴۰۴

اما توجه به سوره‌های خاص قرآن به عنوان واحدهای معنایی و ساختاری مستقل و استخراج الگوهای حکمرانی از درون آن‌ها، هنوز در مراحل اولیه با عنوان تفسیر ساختاری قرار دارد. بسیاری از پژوهش‌ها همچنان در سطح کلیات و عمومیات باقی مانده‌اند و کمتر به تحلیل دقیق و ساختاریافته‌ی سوره‌های قرآن به عنوان متن‌های واحد و هدفمند پرداخته‌اند.

سوره مومنون با آیه «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (مومنون: ۱) آغاز می‌شود. مفسران این آیه را نه فقط یک خبر، بلکه تعریفی عملیاتی از فلاح دانسته‌اند (ر.ک: طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۷؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۲). فلاح، در آیات بعدی، با شاخص‌های دقیق و قابل اندازه‌گیری تبیین می‌شود. این شاخص‌ها شامل خشوع در نماز، پرهیز از بیهوده‌گویی، پرداخت زکات، حفظ عفت، رعایت امانت و عهد، و پایبندی به شهادت در راه حق است. این ویژگی‌ها، اگرچه در ظاهر به فرد مؤمن اشاره دارند، اما در سطح جمعی و سیستماتیک، می‌توانند به عنوان مؤلفه‌های یک نظام حکمرانی در نظر گرفته شوند. به عبارت دیگر، جامعه‌ای که در آن اکثریت مردم دارای این صفات باشند، خود به خود جامعه‌ای حاکمیت‌یافته بر اساس ایمان خواهد بود. در چنین جامعه‌ای، حکومت نه یک نهاد فوق‌العاده و جدا از مردم، بلکه بیانگر اراده‌ی جمعی مؤمنان است که بر اساس اصول اخلاقی و الهی عمل می‌کنند. این دیدگاه، در تقابل با مدل‌های لیبرال دموکراتیک است که در آن‌ها، مشروعیت حکومت صرفاً بر اساس رأی اکثریت و بدون توجه به ارزش‌های اخلاقی تعیین می‌شود.

این پژوهش در پی آن است که با بهره‌گیری از روش ترکیبی تفسیر ساختاری و نظریه داده‌بنیاد، الگویی نظام‌مند، علمی و کاربردی برای حکمرانی بر مبنای سوره مومنون ارائه دهد. تمامی آیات سوره مومنون به عنوان داده‌های اولیه در نظر گرفته می‌شوند و با استفاده از فرآیندهای کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مفاهیم کلیدی شناسایی و سپس در چارچوبی نظری ساماندهی می‌شوند.

این پژوهش، چارچوبی نظری و کاربردی برای نظام سیاسی-اجتماعی ترسیم می‌کند که «ایمان» محور اصلی آن است. برخلاف مدل‌های سکولار که ارزش‌های اخلاقی را به عنوان عوامل فرعی و مستقل در نظر می‌گیرند، در این چارچوب، ایمان به عنوان هسته‌ی محرکه عمل می‌کند و اخلاق را مستقیماً هدایت و تقویت می‌نماید. به عبارت دیگر، ایمان نه تنها پایه‌ای الهی برای اخلاق فراهم می‌آورد، بلکه آن را از حالت نسبی و موقتی خارج کرده و به اصول پایدار و الهی پیوند می‌زند؛ برای مثال، در آموزه‌های اسلامی مانند سوره مومنون، ایمان با



اعمال اخلاقی همچون حفظ امانت، عفاف و عدالت عجین شده و اخلاق را به عنوان تجلی عملی ایمان معرفی می‌کند. چنین نظامی، نه تنها برای جامعه اسلامی ایران، بلکه برای تمامی جوامعی که به دنبال الگوهای حکمرانی مبتنی بر ارزش‌های دینی و اخلاقی هستند، قابل استفاده است. در عصر حاضر که بحران‌های اخلاقی، اجتماعی و محیط‌زیستی نشان‌دهنده‌ی شکست مدل‌های سکولار حکمرانی است، بازگشت به منابع الهی و استخراج راه‌حل‌های بومی از درون متون مقدس، نه یک گزینه، بلکه یک ضرورت تاریخی است. این پژوهش، در این مسیر، گامی نظری و کاربردی برای بازآفرینی حکمرانی ایمان محور بر اساس سوره مومنون بر می‌دارد.

۲. روش شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکردی کیفی و استقرایی، از تلفیق دو روش «تفسیر ساختاری» و «نظریه داده‌بنیاد» بهره می‌برد. انتخاب این رویکرد ترکیبی، بر اساس ضرورت دوگانه‌ای است که در پژوهش‌های قرآنی معاصر احساس می‌شود: اولاً، نیاز به درک عمیق و هماهنگ از متن قرآن به عنوان یک کل واحد و هدفمند؛ و ثانیاً، نیاز به استخراج نظریه‌ای بومی و درون‌منشأ که از خود داده‌های قرآنی سرچشمه بگیرد، نه از پیش فرض‌های فلسفی یا سیاسی خارجی. (عابدی، ۱۳۹۳: ۱۶۱) این دو روش، هر یک در حوزه‌ی خود، توانایی‌های منحصر به فردی دارند که در ترکیب با یکدیگر، زمینه‌ساز تحلیلی جامع، نظام‌مند و کاربردی از سوره مومنون به عنوان منبعی برای الگوی حکمرانی می‌شوند.

۲.۱. تفسیر ساختاری

تفسیر ساختاری، روشی است که در آن به جای تمرکز بر معانی کلمه به کلمه یا آیه به آیه، به دنبال کشف ساختارهای کلی، روابط درونی مفاهیم و منطق سازمان یافته متن هستیم. (غروی، ۱۳۹۴: ۵۶) این روش بر این اصل استوار است که هر متن به ویژه متن قرآن دارای یک ساختار درونی منسجم است که در آن، تمامی اجزا به صورت هماهنگ و هدفمند در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. قرآن کریم، به عنوان کلام الهی، از وحدت معنایی و هدفمندی بالایی برخوردار است؛ بنابراین، تفسیر آن نباید به صورت پراکنده و بدون توجه به انسجام درونی صورت گیرد. (خامه‌گر، ۱۳۸۱: ۱۲۴) در تفسیر ساختاری، محقق به دنبال پاسخ به پرسش‌هایی است که فراتر از سطح لفظی متن، به ساختار عمیق و منطق کلان آن می‌پردازد.



دوره چهارم
شماره دوم
پیاپی: ۸
پاییز و زمستان
۱۴۰۴

در تفسیر ساختاری سوره مومنون، ما به دنبال پاسخ به این سؤالات هستیم: سوره مومنون از چه ساختاری (روایی، استدلالی یا ترکیبی) برخوردار است و چگونه رابطه بین آیات مختلف، یکپارچگی معنایی و ساختاری آن را شکل می‌دهد؟

مفاهیم کلیدی سوره مانند ایمان، فلاح، امانت، زکات، وحدت، توحید، مسئولیت‌پذیری و عدالت چگونه در سوره مومنون به هم پیوند خورده‌اند و چه نقشی در ترسیم الگوی یک جامعه مؤمن ایفا می‌کنند؟

آیا می‌توان سوره مومنون را به بخش‌های معنایی مشخص تقسیم کرد که هر بخش، جنبه‌ای از حکمرانی ایمان محور را بازنمایی کند و در کنار سایر بخش‌ها، چارچوبی یکپارچه برای نظام سیاسی-اجتماعی مؤمنانه ارائه دهد؟

منظور از ساختار روایی، ترتیب و نحوه‌ی ارائه‌ی محتوای سوره به صورت یک جریان داستانی یا توالی رویدادها است که ممکن است شامل توصیف وقایع، قصص قرآنی یا توالی زمانی/موضوعی باشد. در سوره مومنون، ساختار روایی می‌تواند به توصیف ویژگی‌های مؤمنان، داستان‌های پیامبران یا توالی آیات با هدف ایجاد یک پیام منسجم اشاره داشته باشد.

ساختار استدلالی نیز به معنای ارائه‌ی محتوا با استفاده از استدلال‌های منطقی، برهان‌ها یا استنتاج‌هایی است که برای اقناع مخاطب طراحی شده‌اند. در سوره مومنون، این ممکن است شامل استدلال‌هایی درباره توحید، ضرورت ایمان یا رابطه بین اعمال و فلاح باشد.

ترکیب روایی و استدلالی: بسیاری از سوره‌های قرآن، از جمله سوره مومنون، ترکیبی از این دو ساختار را دارند؛ مثلاً آیات ابتدایی سوره با توصیف ویژگی‌های مؤمنان (روایی) آغاز می‌شود و سپس با استدلال‌هایی درباره توحید و مسئولیت‌پذیری (استدلالی) ادامه می‌یابد. این ترکیب به سوره انسجام و تأثیرگذاری چندلایه می‌بخشد.

بخش مقدماتی (آیات ۱-۱۱): در این بخش، قرآن با آیه‌ی «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» آغاز می‌شود و سپس شاخص‌های فلاح را به صورت عملیاتی و قابل مشاهده برمی‌شمارد. این بخش، در واقع، تعریف اولیه‌ی مؤمن رستگار را ارائه می‌دهد و پایه‌های اخلاقی و رفتاری حکمرانی ایمان محور را تعیین می‌کند.

بخش تاریخی-الگویی (آیات ۱۲-۴۱): در این قسمت، داستان‌های پیامبرانی مانند نوح، هود، موسی و عیسی (علیهم‌السلام) بازگو می‌شود. این داستان‌ها صرفاً برای عبرت نیستند، بلکه الگوهای عملیاتی از نحوه‌ی مقابله با ظلم،



سامان دهی جامعه، اجرای عدالت و حفظ ایمان در برابر فتنه‌ها را نشان می‌دهند. این بخش، ابعاد تاریخی و عملی حکمرانی را روشن می‌سازد.

بخش توحیدی - کلامی (آیات ۴۲-۹۰): این بخش بر استدلال‌های عقلی و کلامی متمرکز است و با رد شرک، تکبر و انکار رستگاری، پایه‌های فکری و جهان بینی حکمرانی ایمانی را مستحکم می‌کند. بدون پایه‌های توحیدی، هیچ نظام حکمرانی ایمان محوری نمی‌تواند پایدار باشد.

بخش اخلاقی - اجتماعی (آیات ۹۱-۱۱۰): در این قسمت، تأکید بر مسئولیت‌های فردی و اجتماعی مؤمنان است؛ از جمله رعایت حقوق دیگران، پرهیز از ظلم، احترام به عهد و پیمان، و پاسخگویی در برابر خداوند. این بخش، پیوند میان اخلاق فردی و ساختارهای اجتماعی را نشان می‌دهد.

بخش نتیجه‌گیری (آیات ۱۱۱-۱۱۸): این بخش، با وعده به مؤمنان و تهدید به کافران، چرخه‌ی منطقی سوره را به پایان می‌رساند و نتیجه‌گیری نهایی را درباره‌ی سرنوشت جوامع بر اساس رفتارشان ارائه می‌دهد.

این تقسیم‌بندی به ما کمک می‌کند تا هر بخش را نه به عنوان یک متن منفصل، بلکه به عنوان یک «ماژول» در ساختار کلی حکمرانی مومنانه در نظر بگیریم. (خرقانی، ۱۳۸۰: ۱۳۱) هر ماژول، یک بعد از ابعاد حکمرانی را پوشش می‌دهد: اخلاقی، تاریخی، فکری، اجتماعی و عرفانی-معنوی. این نگاه سیستماتیک، امکان طراحی الگویی جامع از حکمرانی را فراهم می‌آورد که هم از نظر نظری استوار است و هم از نظر عملی قابل اجرا.

۲.۲. نظریه داده‌بنیاد

نظریه داده‌بنیاد، روشی است که در آن نظریه از درون داده‌ها استخراج می‌شود. این روش توسط بارنی گلاسر و آنسیلم استراوس در دهه ۱۹۶۰ میلادی توسعه یافت و به عنوان یکی از روش‌های پژوهشی کیفی، به ویژه در علوم اجتماعی و انسانی، مورد توجه قرار گرفت. ویژگی بارز این روش، تلاش برای جلوگیری از تحمیل پیش‌فرض‌های ذهنی محقق بر داده‌هاست. (منصوریان، ۱۳۸۶: ۴۶) در این پژوهش، داده‌های اولیه، خود آیات سوره مومنون هستند که به عنوان منبعی غنی و مستقل از هرگونه ساختار نظری خارجی، مورد تحلیل قرار می‌گیرند. این روش شامل سه مرحله اصلی است که به صورت تدریجی و تکرارشونده ۲ انجام می‌شوند:



دوره چهارم
شماره دوم
پیاپی: ۸
پاییز و زمستان
۱۴۰۴

الف) کدگذاری باز

در این مرحله، تمامی آیات سوره مومنون به صورت خط به خط و کلمه به کلمه تحلیل می‌شوند و مفاهیم اولیه استخراج می‌گردند. هدف از این مرحله، شکستن داده‌ها به واحدهای معنایی کوچک و نام‌گذاری هر یک از این واحدها است. برای مثال:

آیه ۱: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» → مفهوم «فلاح» و «شرطیت آن»؛ یعنی فلاح یک وضعیت خودبه‌خودی نیست، بلکه مشروط به داشتن صفات خاص است.

آیه ۲: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» → مفهوم «حضور قلبی» و «تأثیر آن در حکمرانی»؛ زیرا خشوع نماز، نشان‌دهنده‌ی تمرکز، مسئولیت‌پذیری و پرهیز از غفلت است — ویژگی‌هایی که در حکمرانی ضروری‌اند.

آیه ۴: «وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ» → مفهوم «عدالت اقتصادی» و «مسئولیت مالی»؛ یعنی ثروت نباید در دست گروهی محدود باقی بماند و سیستم اقتصادی باید بر اساس توزیع عادلانه طراحی شود.

در این مرحله، صدها کد اولیه استخراج شد که هر یک نشان‌دهنده‌ی یک ویژگی، رفتار یا اصل حکمرانی محور بود. این کدها، بدون قضاوت ارزشی یا تعمیم‌دهی، ثبت شدند تا زمینه‌ی دسته‌بندی بعدی فراهم شود.

ب) کدگذاری محوری ۲

در این مرحله، کدهای اولیه حول محورهای اصلی دسته‌بندی می‌شوند. هدف از این مرحله، کشف روابط میان کدها و شناسایی الگوهای معنایی بزرگ‌تر است. (خامه‌گر، ۱۳۸۲: ۶۹) برای مثال، کدهای مرتبط با «صلوات»، «زکات»، «رعایت عهد»، «امانت‌داری» و «پرهیز از بیهوده‌گویی» در محور «تعهد و قانونمندی» قرار گرفتند؛ چرا که همگی نشان‌دهنده‌ی پایبندی به تعهدات الهی و اجتماعی هستند. همچنین، کدهای مرتبط با «امنیت حضرت مریم (س)»، «حفظ جان»، «حفظ مال» و «رعایت حریم خصوصی» در محور «امنیت جامع» دسته‌بندی شدند که نشان‌دهنده‌ی توجه قرآن به امنیت در ابعاد فردی، اجتماعی و معنوی است.

در این مرحله، پس از تحلیل عمیق و مقایسه‌ی مداوم کدها، هفت محور اصلی شناسایی شدند که هر یک نشان‌دهنده‌ی یک بعد از ابعاد حکمرانی مومنانه هستند:

1. Open Coding
2. Axial Coding



۱. اخلاق فردی و معنویت عملی
 ۲. عدالت اقتصادی و مسئولیت مالی
 ۳. امنیت جامع (فردی، اجتماعی، معنوی)
 ۴. قانونمندی و پایبندی به عهد
 ۵. توحید و جهان بینی ایمانی
 ۶. مسئولیت پذیری اجتماعی
 ۷. الهام‌گیری از الگوهای تاریخی
- این محورها، چارچوبی تحلیلی برای درک نظام‌مند حکمرانی از دیدگاه سوره مومنون فراهم می‌کنند.

ج) کدگذاری انتخابی ۱

در این مرحله، یک مقوله مرکزی انتخاب می‌شود که تمامی محورها را در بر می‌گیرد و به عنوان محور چرخشی کل نظریه عمل می‌کند. (مهرابی، ۱۳۹۰: ۹۸) در این پژوهش، مقوله مرکزی «جامعه رستگاران» شناسایی شد. این مقوله نشان می‌دهد که هدف نهایی حکمرانی مومنانه، ایجاد جامعه‌ای است که در آن، اکثریت مردم دارای صفات مؤمن رستگار باشند و نظام حکمرانی نیز در جهت تحقق این هدف طراحی و اجرا شود. «جامعه رستگاران»، نه یک ایده آل غیرقابل دستیابی، بلکه یک هدف عملیاتی است که از طریق تحقق هفت محور فوق، قابل تحقق است.

این روش ترکیبی که در آن تفسیر ساختاری به درک هماهنگی درونی متن کمک می‌کند و نظریه داده‌بنیاد، امکان استخراج نظریه‌ای بومی و مبتنی بر داده را فراهم می‌آورد. این پژوهش را از تحمیل نظریه‌های خارجی مصون نگه داشته و همزمان، زمینه‌ساز طراحی الگویی کاربردی برای حکمرانی ایمان محور می‌شود. این رویکرد، نه تنها به غنای متن قرآن احترام می‌گذارد، بلکه امکان تبدیل آموزه‌های قرآنی به سیاست‌های عملی و ساختارهای نهادی را نیز فراهم می‌سازد.

۳. بخش‌های تحلیلی با محوریت حکمرانی

۳.۱. ابعاد سیاسی حکمرانی مومنانه

۳.۱.۱. حکمرانی قانونمند و متعهد: پایبندی به پیمان‌ها و امانت‌داری (آیه ۸)

در الگوی حکمرانی مومنانه، پایبندی به قانون و پیمان‌ها به عنوان یک اصل کلیدی مطرح است. سوره مومنون، به عنوان یکی از منابع کلیدی برای ترسیم الگوی حکمرانی ایمان‌محور، ویژگی‌های مؤمنان موفق را معرفی می‌کند که می‌توانند به عنوان اصولی برای نظام سیاسی - اجتماعی مبتنی بر ایمان به کار روند. آیه ۸ این سوره می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (و کسانی که به امانت‌ها و پیمان‌هایشان پایبند و مراقب‌اند). این آیه دو مفهوم کلیدی «امانت» و «عهد» را مطرح می‌کند که در سطح حکمرانی، به معنای التزام به قانون، شفافیت، پاسخگویی و مشروعیت است. واژه «راعون» در این آیه به معنای نگهبانی فعال و مراقبت دائم تفسیر شده است (ر.ک: طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۴۳؛ مغنیه، تفسیر کاشف، ج ۵، ص ۸۹).

این مفهوم دلالت دارد که حاکم مؤمن نه تنها قانون را اجرا می‌کند، بلکه خود نیز در چارچوب آن قرار دارد و هرگز خود را بالاتر از قانون نمی‌بیند. در نظام حکمرانی ایمان‌محور، امانت و عهد به عنوان پایه‌های اخلاقی و عملی، تضمین‌کننده‌ی اعتماد عمومی و ثبات اجتماعی هستند و حاکمان را ملزم می‌کنند که با تعهد به اصول الهی، مسئولیت‌پذیری و عدالت را در تمامی سطوح تصمیم‌گیری و اجرا نهادینه کنند.

در نظام حکمرانی مومنانه، قدرت یک امانت الهی محسوب می‌شود که حاکم باید در قبال آن پاسخگو باشد. این دیدگاه، در تقابل کامل با مفهوم حاکمیت مطلق در سیستم‌های استبدادی است که در آن‌ها، حاکم خود را مالک قدرت می‌داند. در تاریخ اسلام، این اصل به خوبی در سخنان امام علی (ع) در نهج البلاغه منعکس شده است: «الِنَّاسُ صِنْفَانِ: اِمَّا اَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ، اَوْ نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ»، که نشان می‌دهد حتی در بالاترین سطح قدرت، رابطه‌ی حاکم و محکوم بر پایه‌ی اخوت و مسئولیت است، نه سلطه و تسلیط.

همچنین، عهد می‌تواند به قرارداد اجتماعی بین حاکم و محکوم اشاره داشته باشد — چیزی که در فقه سیاسی اسلامی به بیعت معروف است. بیعت در اسلام، یک تعهد دوطرفه است: مردم وفاداری و اطاعت را می‌پذیرند و حاکم تعهد می‌کند که بر اساس کتاب و سنت حکومت کند. (مطهری، ۱۳۸۳: ۳۵) نقض این عهد، به معنای خیانت به امت و خداست و مشروعیت حکومت را از بین می‌برد. این اصل، در فقه شیعه و سنی به صورت صریح مورد تأکید قرار گرفته است؛ به طوری که فقهایمانند شیخ مفید و ابن تیمیه، در شرایط نقض عهد، مشروعیت عزل حاکم را تأیید کرده‌اند.



در تطبیق با نظریه‌های مدرن، این مؤلفه با مفاهیم «حاکمیت قانون» و «پاسخگویی حکومتی» هم‌خوانی دارد. اما تفاوت اساسی این است که در حکمرانی مومنانه، منبع مشروعیت، خداوند است و قانون، بر اساس ارزش‌های الهی شکل می‌گیرد. در حالی که در سیستم‌های لائیک، قانون تنها نتیجه‌ی اراده‌ی اکثریت یا منافع سیاسی است، در حکمرانی مومنانه، قانون باید هم با عقل سلیم هماهنگ باشد و هم با وحی الهی. این دوگانگی، امکان ظهور استبداد با پوشش قانونی را نیز از بین می‌برد.

۳،۱،۲. امنیت‌سازی به عنوان کارویژه اصلی

سوره مومنون با ذکر داستان حضرت مریم (آیه ۵۰) و تأکید بر «مکان مبارک» که او در آن مصون ماند، به مفهوم «امنیت» به عنوان یک ارزش بنیادین اشاره می‌کند. عبارت «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا» (آیه ۱۷) و «فَتَأَدَّاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنَ» (آیه ۳۶) نشان می‌دهد که خداوند خود، تأمین‌کننده‌ی امنیت معنوی و فیزیکی اوست. این روایت، نمادین از نقش حکومت در تأمین امنیت شهروندان است. امنیت در سوره مومنون نه تنها به معنای حفاظت فیزیکی، بلکه شامل آرامش معنوی و اجتماعی است که از ایمان به خدا و عمل به اصول اخلاقی (مانند امانت و عهد) ناشی می‌شود. در نظام حکمرانی ایمان‌محور، حاکم به عنوان «راعی» (نگهبان) امانت‌های الهی و اجتماعی، موظف است با پایبندی به قانون و عدالت، محیطی امن ایجاد کند که در آن شهروندان بتوانند به فلاح و رستگاری دست یابند. این مفهوم، به ویژه در آیات ابتدایی سوره (۱-۱۱)، از طریق ویژگی‌هایی مانند «خشوع» (آرامش درونی) و «امانت‌داری» (اعتماد اجتماعی) به تصویر کشیده شده است. بنابراین، امنیت در حکمرانی ایمان‌محور، نتیجه‌ی پیوند ایمان، اخلاق و مسئولیت‌پذیری است که حاکمان و شهروندان را در یک نظام منسجم به هم متصل می‌کند.

امنیت در اینجا تنها به معنای امنیت جانی نیست، بلکه ابعاد مختلف و گسترده‌تری را شامل می‌شود که می‌توان آن‌ها را به شرح زیر برشمرد:

امنیت اقتصادی: به معنای تأمین معیشت و زندگی آبرومندانه؛

امنیت فرهنگی: مصونیت هویت و ارزش‌ها در برابر تهاجم و فرهنگ‌زدگی؛

امنیت روانی: دستیابی به آرامش درونی و مصونیت از ترس و اضطراب مستمر؛

امنیت اجتماعی: زندگی در محیطی عاری از ظلم، فساد و بی‌عدالتی.

این چارچوب جامع، در واقع، پیش‌درآمدی بر مفهوم «امنیت انسانی» است که در دهه‌های اخیر در نظریه‌های بین‌المللی مطرح شده است. در نظام حکمرانی



دوره چهارم
شماره دوم
پیاپی: ۸
پاییز و زمستان
۱۴۰۴

مومنانه، تأمین امنیت، نه یک شعار، بلکه یک «وظیفه الهی» است. حاکم مومن، باید به گونه‌ای سیاست‌گذاری کند که شهروندان در تمامی ابعاد زندگی خود احساس امنیت کنند. این مفهوم با «امنیت انسانی» در نظریه‌های مدرن هم‌پوشانی دارد، اما در حکمرانی مومنانه، امنیت با ایمان و تقوای الهی پیوند خورده است. (طباطبایی، ۱۳۵۶، ج ۱۵: ۹۶) به عبارت دیگر، امنیت بدون عدالت و ایمان، ناقص است. این دیدگاه، در سیاست‌های داخلی و خارجی حکومت اسلامی نیز منعکس می‌شود؛ یعنی امنیت ملی نباید با ظلم به دیگران تأمین شود، بلکه باید بر پایه‌ی همکاری، عدالت و احترام متقابل باشد.

چرا که بنیان‌چنین امنیتی در نگاه قرآن کریم، بر ستم استوار شده و محکوم به نابودی است. قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: «وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا» (سوره انعام، آیه ۱۱۵)؛ که کلمه پروردگارت به راستی و عدالت، کامل و تحقق یافته است. این آیه نشان می‌دهد نظام هستی بر عدل استوار است و هرگونه ستم، نقض این نظام الهی و در نتیجه بی‌ثبات‌کننده است.

علاوه بر این، قرآن سرنوشت ستمگران را چنین ترسیم می‌کند: «فَكَأَيُّ مَن قَرِيَةً أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فِيهَا خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا» (سوره حج، آیه ۴۵)؛ چه بسیار شهرها و جامعه‌هایی که ما آنها را نابود کردیم در حالی که ستمکار بودند و اکنون بام‌هایشان بر ستون‌هایشان فروریخته است. این آیات به وضوح نشان می‌دهد که امنیت حقیقی، نه در سایه ستم، که در پرتو عدالت و تقوای الهی قابل دستیابی است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ» (سوره اعراف، آیه ۹۶)، که از جمله بزرگ‌ترین این برکات، «امنیت» است.

۳،۱،۳. وحدت‌گرایی و مبارزه با تفرقه: تشکیل «امت واحده» (آیه ۵۲)

وحدت و پرهیز از تفرقه در سوره مومنون: بنیان حکمرانی ایمان محور سوره مومنون با تأکید بر ویژگی‌های مؤمنان موفق و داستان‌های پیامبران، چارچوبی برای نظام سیاسی-اجتماعی ایمان محور ارائه می‌دهد که در آن وحدت و پرهیز از تفرقه به عنوان اصول محوری حکمرانی برجسته شده‌اند. این دو اصل، که در آیات ۵۲ و ۵۳ سوره به صورت مکمل مطرح شده‌اند، پایه‌های یک جامعه مؤمن را تشکیل می‌دهند که در آن ایمان، اخلاق و همبستگی اجتماعی به هم پیوند خورده‌اند. وحدت و همبستگی امت اسلامی به عنوان یکی از ارکان حکمرانی مومنانه مطرح است. «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُون» این آیه، وحدت امت را در پرستش خداوند و پذیرش ربوبیت الهی معرفی می‌کند. بر اساس تفسیر المیزان، «امت واحد» به معنای انسجام در محور توحید و عبودیت



الهی است که تمامی شئون زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۱۹۴). همچنین در تفسیر نمونه آمده است که تمامی شئون زندگی، از جمله سیاست، اقتصاد و فرهنگ، را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این وحدت، یکپارچگی در اهداف و ارزش‌های الهی را طلب می‌کند، بدون اینکه لزوماً به یکسان‌سازی فرهنگی یا اجتماعی منجر شود.

در مقابل، آیه ۵۳ («فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا») به سیاست‌های تفرقه‌افکنانه‌ای اشاره دارد که امت‌های پیشین را به دلیل تعصبات قومی، مذهبی یا طبقاتی به سوی ضعف و نابودی سوق داد. این تقطیع، در تاریخ اسلام نیز منشأ بحران‌هایی مانند فتنه‌های داخلی در صدر اسلام یا تفرقه‌های قومی و مذهبی در عصر حاضر بوده است. در نظام حکمرانی ایمان محور، هرگونه سیاستی که به تفرقه یا ایجاد فتنه منجر شود، مذموم است و در فقه سیاسی، «ایجاد فتنه» به عنوان یکی از گناهان کبیره محسوب می‌شود. این دو آیه به صورت مکمل، ضرورت وحدت و خطر تفرقه را در کنار یکدیگر قرار می‌دهند: آیه ۵۲، وحدت مبتنی بر توحید را به عنوان هدف اصلی معرفی می‌کند، در حالی که آیه ۵۳، تفرقه را به عنوان مانعی برای تحقق این هدف هشدار می‌دهد.

این اصول با مفاهیم مدرن مانند اجتماع مدنی، همبستگی اجتماعی و ملی‌گرایی فراگیر هم‌خوانی دارند، اما در حکمرانی ایمان محور، پایه وحدت، توحید و عبودیت خالصانه به خداست. توحید در این چارچوب، نه تنها یک باور کلامی، بلکه یک اصل سیاسی است که هرگونه تبعیت از غیر خدا (مانند سلطه خارجی، سرمایه‌داری بی‌رحم یا ایدئولوژی‌های سکولار) را رد می‌کند. بنابراین، وحدت در حکمرانی ایمان محور، هم یک اصل اخلاقی برای تقویت انسجام اجتماعی و هم یک استراتژی سیاسی برای بقا و پیشرفت جامعه است.

بنابراین آیات ۵۲ و ۵۳ سوره مومنون، وحدت را به عنوان ستون فقرات حکمرانی ایمان محور معرفی می‌کنند که با پرهیز از تفرقه، جامعه را به سوی فلاح و رستگاری هدایت می‌کند. حاکم مؤمن، با الهام از این آیات، موظف است با تقویت ایمان و ارزش‌های توحیدی، از هرگونه سیاست تفرقه‌افکنانه جلوگیری کند و بستری برای هم‌افزایی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد نماید. این وحدت، که ریشه در توحید دارد، نه تنها به حفظ تنوع فرهنگی و اجتماعی اجازه می‌دهد، بلکه با ایجاد همبستگی مبتنی بر اهداف الهی، جامعه را از بحران‌های داخلی و خارجی مصون می‌دارد. این رویکرد، مکمل سایر اصول حکمرانی ایمان محور مانند امانت‌داری و امنیت است که در آیات دیگر سوره (مانند آیه ۸) مطرح شده‌اند.

این مؤلفه با مفاهیم «اجتماع مدنی»، «همبستگی اجتماعی» و «ملی‌گرایی فراگیر» در نظریه‌های مدرن هم‌خوانی دارد، اما در حکمرانی مومنانه، پایه وحدت، «توحید» و «عبودیت خالصانه به خدا» است. این توحید، نه تنها یک باور کلامی، بلکه یک اصل سیاسی است که هرگونه تبعیت از غیر خدا (از جمله سلطه‌ی خارجی، سرمایه‌داری بی‌رحم یا ایدئولوژی‌های سکولار) را رد می‌کند. بنابراین، وحدت در حکمرانی مومنانه، هم یک اصل اخلاقی و هم یک استراتژی سیاسی برای بقا و پیشرفت است.

۳.۱.۴. عدالت در تکلیف و توانایی: پذیرش اصل تفاوت (آیه ۶۲)

در نظام حکمرانی مومنانه، قوانین و سیاست‌ها باید متناسب با توانایی و شرایط افراد جامعه طراحی شوند. این به معنای عدالت توزیعی و انعطاف‌پذیری سیستم است. «وَلَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (آیه ۶۲). این آیه، نه تنها یک اصل اخلاقی، بلکه یک اصل حکمرانی است. این برداشت از آیه، هرچند در نگاه اول متکی به ظاهر آیه است، اما با استناد به منابع تفسیری و فقهی قابل تقویت است. مفسران این آیه را مبنای قاعده فقهی نفی عسر و حرج دانسته‌اند (ر.ک: زمخشری، الکشاف، ج ۳، ص ۲۱؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۰۵). قاعده‌ای که شأنی حکومتی دارد و به حاکم اجازه می‌دهد قوانین و سیاست‌ها را با توجه به توانایی و شرایط مردم تنظیم کند. بر این اساس، اگر خداوند به عنوان قانونگذار اعلی، خود را مقید به رعایت «وسع» بندگان می‌داند، به طریق اولی یک نظام حکمرانی عادلانه نیز موظف است این اصل بنیادین را در سطح کلان جامعه رعایت نماید؛ رویکردی که نمونه‌های عینی آن در سیره حکومتی امام علی (ع) و توصیه‌های ایشان به کارگزارانش به وضوح قابل مشاهده است.

برای مثال، در سیاست‌گذاری اقتصادی، نمی‌توان از فقیر و ثروتمند یکسان مالیات گرفت. در سیاست‌گذاری فرهنگی، نمی‌توان از همه افراد جامعه یک سطح یکسان از تقوا را انتظار داشت. این انعطاف، نشان‌دهنده عقلانیت و انسان‌محوری در حکمرانی مومنانه است. این اصل، در فقه اسلامی به صورت اعتبار العرف و مراعاة المصالح نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

در تطبیق با نظریه‌های مدرن، این دیدگاه با مفاهیم عدالت تطبیقی^۱ و تفاوت‌پذیری^۲ در حقوق بشر هم‌خوانی دارد. اما تفاوت این است که در حکمرانی مومنانه، این تفاوت‌پذیری بر پایه‌ی رحمت الهی و عدالت کیفری-توزیعی است،



نه بر اساس نفع‌گرایی یا سیاست‌های انتخابی. بنابراین، سیاست‌گذاری در این نظام، هم عادلانه است و هم انسانی، و هم بر اساس واقع‌شناسی اجتماعی.

جمع بندی تحلیلی

در مجموع، ابعاد سیاسی حکمرانی مومنانه در سوره مومنون، حول محور مسئولیت امانی و مشروعیت الهی-مردمی سازمان می‌یابد. در این الگو، قدرت نه یک «حق»، که یک «امانت» تعبیر می‌شود که حاکم در برابر خدا و مردم پاسخگوی آن است. شاخص‌های کلیدی این بُعد - شامل قانونمندی مبتنی بر عهد و امانت، تأمین امنیت جامع، وحدت‌گرایی توحیدی و عدالت در تکلیف - در تقابل جدی با الگوهای سکولار قرار می‌گیرند که مشروعیت را صرفاً به آراء بشری تقلیل می‌دهند. این چارچوب، نظامی را ترسیم می‌کند که در آن، سیاست نه عرصه‌ای برای سلطه‌گری، که فضایی برای خدمت‌گزاری و بسترسازی برای تحقق فلاح جمعی است.

۳.۲. ابعاد اقتصادی حکمرانی مومنانه در جوامع اسلامی

۳.۲.۱. تأمین معیشت حلال و پایدار: توجه به منابع غذایی اساسی (آیات ۱۹-۲۰)
این اصل، در چارچوب تفسیر اقتصادی قرآن و ذیل محور تأمین امنیت غذایی و استقلال معیشتی قابل تحلیل است. آیات ۱۹ و ۲۰ سوره مومنون می‌فرمایند: «وَسَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْئَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَصَبِغٍ لِلْأَكْلِينَ * وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً...». این آیات، با اشاره به زیتون، انگور، خرما و دام، به صورت نمادین و عملی، بر اهمیت منابع غذایی پایه و تولید داخلی تأکید می‌کنند. ذکر «طُورِ سَيْئَاءَ» نیز نشان‌دهنده‌ی ارتباط میان زمین، آسمان و برکت الهی در تولید است؛ یعنی ثمرات زمین، تنها با تلاش انسان نیست، بلکه با برکت الهی و رعایت موازین طبیعی و اخلاقی به دست می‌آید.

این آیات، به وضوح به اهمیت خودکفایی اقتصادی و سلامت غذایی اشاره می‌کنند. خودکفایی در اینجا به معنای انزوا یا بستن مرزها نیست، بلکه به معنای توانمندسازی داخلی برای تأمین نیازهای اساسی جامعه است، به گونه‌ای که در شرایط بحران یا تحریم، جامعه دچار فروپاشی نشود. ذکر این منابع طبیعی، نشان می‌دهد که اقتصاد اسلامی بر پایه‌ی منابع داخلی، پایداری محیط‌زیستی و استفاده‌ی هوشمندانه از نعمت‌های الهی استوار است، نه وابستگی به خارج یا واردات بی‌رویه.

این آیات که به منابعی مانند زیتون، انگور و دام‌ها اشاره می‌کنند، در چارچوب



اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار کشاورزی قابل تحلیل هستند. این رویکرد، مبتنی بر تقویت زنجیره ارزش تولید داخلی و کاهش وابستگی به واردات است. تأکید بر منشأ طبیعی این نعمات («طور سیناء») و نقش «صِبْغٍ لِلْأَكْلِين»، الگویی از کشاورزی پایدار و مبتنی بر اکوسیستم بومی را ترسیم می‌کند که در برابر شوک‌های خارجی مقاوم است. در این مدل، خودکفایی در محصولات اساسی، نه یک انتخاب، که یک ضرورت امنیت ملی و اقتصادی است که همسو با مفهوم «برکت» در آموزه‌های اسلامی، به بهره‌وری پایدار و عادلانه از منابع خدادادی منجر می‌شود.

در نظام حکمرانی مومنانه، دولت موظف است تا با سیاست‌گذاری‌های هوشمند، منابع طبیعی و کشاورزی را حفظ کند، از تخریب محیط‌زیست جلوگیری نماید و زیرساخت‌های لازم برای تولید پایدار را فراهم آورد. این رویکرد، با مفاهیم «اقتصاد مقاومتی» و «امنیت غذایی» در نظریه‌های مدرن هم‌خوانی دارد. اما تفاوت اساسی این است که در اقتصاد اسلامی، «حلال بودن» منابع درآمد، شرط اولیه‌ی رشد است. (اراکی، ۱۳۹۳: ۶۳-۶۵) به عبارت دیگر، رشد اقتصادی بدون پاکیزگی اخلاقی، در حکمرانی مومنانه، نه تنها مفید نیست، بلکه مضر است؛ چرا که ثروت ناخالص، نه تنها فرد را فاسد می‌کند، بلکه کل جامعه را به سوی فساد اخلاقی و اجتماعی سوق می‌دهد. در ادبیات حکمرانی مومنانه، رشد اقتصادی فاقد پاکیزگی اخلاقی که در چارچوب اسلامی با مفاهیمی چون تقوا (بقره: ۲) و عدل (حدید: ۲۵) تعریف می‌شود- نه تنها پایدار نیست، بلکه می‌تواند به تقویت نهادهای فاسد و تشدید نابرابری بینجامد. این دیدگاه با یافته‌های «اقتصاد توسعه نهادی» همسوست که بر نقش نهادهای شفاف و پاسخگو به عنوان پیش‌شرط رشد بلندمدت تأکید دارد.

در این چارچوب، حاکم مومن نه تنها باید به تولید بپردازد، بلکه باید مراقب باشد که این تولید، بر پایه‌ی عدالت، محیط‌زیست‌پسندی و احترام به حقوق نسل‌های آینده باشد. این دیدگاه، در روایات اسلامی نیز تأکید شده است؛ به طوری که پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «الْمُؤْمِنُ يَغْرِسُ وَالْمُتَأَفِّقُ يَحْصُدُ»، که نشان‌دهنده‌ی مسئولیت بلندمدت مؤمن در تولید و سرمایه‌گذاری است.

۳،۲،۲. توسعه زیرساخت‌های اقتصادی: بسترساز بهره‌وری از نعمت‌های الهی

در حکمرانی مومنانه، دستیابی به اهداف اقتصادی متعالی، مستلزم ایجاد بسترهای فیزیکی و نهادی لازم است. این اصل را می‌توان از طریق استنباط منظومه‌ای از آیات قرآن استخراج کرد. برای نمونه، آیه ۲۲ سوره مؤمنون در کنار



آیات دیگری که به کشتی (بقره: ۱۶۴) و راه‌ها (نحل: ۵) به عنوان ابزارهایی برای بهره‌برداری از نعمت‌های الهی اشاره می‌کنند، در کنار یکدیگر، بر اهمیت شبکه‌های حمل‌ونقل و ارتباطی دلالت دارند. این اشارات، در تحلیل اقتصادی امروز، به مفهوم حیاتی زیرساخت‌های اقتصادی ترجمه می‌شود. زیرساخت‌ها اعم از حمل‌ونقل، انرژی، آب و ارتباطات شریان‌های حیات اقتصاد یک جامعه هستند که امکان تبدیل منابع خدادادی (که در آیات ۱۹-۲۰ همین سوره برشمرده شد) را به ثروت ملموس و دستیابی به بازارها فراهم می‌سازند. بدون این بستر، حتی غنی‌ترین منابع طبیعی نیز در انزوا باقی مانده و نمی‌توانند به مصرف‌کننده برسند یا ارزش اقتصادی ایجاد کنند. بنابراین، سرمایه‌گذاری بر روی زیرساخت‌ها، یک الزام استراتژیک و عملی برای تحقق «معایش» (معیشت‌ها) بی است که قرآن کریم آن را از الطاف الهی می‌داند.

حاکم مومن باید به توسعه و پیشرفت زیرساخت‌ها بپردازد، زیرا این زیرساخت‌ها، ابزار تحقق معایش (معیشت) و منافع (سودهای مشروع و اجتماعی) برای مردم هستند. در تاریخ اسلام، حکام و به‌ویژه امام علی (ع)، به توسعه راه‌ها، بازارها، سیستم‌های آبیاری (مانند شبکه‌های قنات) و تسهیل تجارت توجه ویژه‌ای داشتند. در سیره حکومتی امام علی (ع)، توجه به زیرساخت‌های اقتصادی همواره در راستای تحقق عدالت اجتماعی بود. ایشان در نامه ۵۳ نهج البلاغه (عهدنامه مالک اشتر) با دستور صریحی مانند «وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ...» (و باید نگاه تو به آبادانی زمین، از نگاهت به جمع‌آوری مالیات، فراگیرتر باشد...) بر این اصل تأکید می‌کنند که آبادانی و توسعه زیرساخت‌های مولد، مقدم بر درآمدزایی صرف برای حکومت است. این نگاه، اقتصاد را بخشی جدایی‌ناپذیر از اخلاق و عدالت می‌داند.

این توجه، نشان‌دهنده‌ی این است که اقتصاد در اسلام، فعالیتی زنده و پویا است که نیاز به تسهیل‌گرهای مادی دارد. اما این پویایی، هرگز نباید به قیمت تخریب محیط زیست یا بهره‌کشی از انسان تمام شود. بنابراین، توسعه زیرساخت‌ها در حکمرانی مومنانه، هم کارآمد است و هم انسان‌محور و محیط‌زیست‌پسند.

۳،۲،۳. عدالت اقتصادی و مبارزه با فقر: تأکید بر «پرداخت زکات» (آیه ۴)

در نظام حکمرانی مومنانه، تحقق عدالت اقتصادی مستلزم ایجاد نهادهای الزام‌آور برای توزیع مجدد ثروت است. نهاد زکات در اسلام، تجلی عینی این اصل است که در چارچوب فقه سیاسی، وظیفه‌ای حکومتی تعریف شده است. این نقش به‌گونه‌ای است که امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر (نامه ۵۳



نهج البلاغه) با صراحت می‌فرماید: *ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى... وَاحْفَظَ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ، وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ*، این فرمان، مبارزه با فقر را نه یک عمل داوطلبانه، که حق فقیر در مال غنی و وظیفه حاکم در وصول و توزیع عادلانه آن قلمداد می‌کند. این نگاه، مبارزه با فقر را از یک عبادت فردی فراتر برده و به یک ابزار قدرتمند سیاستگذاری عمومی برای زدودن فقر و تحقق عدالت اجتماعی تبدیل می‌کند.

در نظام حکمرانی مومنانه، دولت باید نهادهایی را ایجاد کند که ثروت را از جیب ثروتمندان به جیب فقرا منتقل کند، نه از طریق زور، بلکه از طریق قانون و ایمان. این رویکرد، با مفاهیم توزیع عادلانه درآمد و رفاه اجتماعی در نظریه‌های مدرن هم‌خوانی دارد، اما در حکمرانی مومنانه، پایه این توزیع، فریضه الهی و مسئولیت اجتماعی است، نه صرفاً یک سیاست انتخابی یا اقدام خیرخواهانه.

زکات، نه تنها فقیر را نجات می‌دهد، بلکه غنی را نیز از طمع، حرص و سخت‌دلی نجات می‌دهد. (طباطبایی، ۱۳۵۶، ج ۱۵: ۱۲۳) این دوگانگی، نشان‌دهنده‌ی عمق اقتصاد اسلامی است که هم ابعاد مادی و هم معنوی را در نظر می‌گیرد. در این سیستم، ثروت یک امانت الهی است و مالک واقعی آن، خداوند است. بنابراین، استفاده از آن باید در چارچوب مصالح اجتماعی و رضا خدا باشد.

علاوه بر زکات، سایر نهادهای اقتصادی اسلامی مانند خمس، وقف، قرض‌الحسنه و انفاق نیز در کنار هم، شبکه‌ای از امنیت اجتماعی را تشکیل می‌دهند که در آن، هیچ فردی به خاطر فقر، کرامت انسانی خود را از دست ندهد. این شبکه، در تقابل کامل با سیستم‌های سرمایه‌داری است که در آن‌ها، فقر گاهی به عنوان انگیزه اقتصادی توجیه می‌شود. در حکمرانی مومنانه، فقر یک «نارسایی سیستمی» محسوب می‌شود که حکومت موظف است آن را ریشه‌کن کند.

این نگاه، فقر را نه یک پدیده‌ی طبیعی و گریزناپذیر، بلکه پیامد مستقیم طراحی ناقص نهادهای اقتصادی و شکست در تخصیص عادلانه‌ی فرصت‌ها و منابع می‌داند. در این چارچوب، حکومت به عنوان مهندس و ناظم این سیستم، نمی‌تواند با رویکردی غیرمسئولانه، فقرا را به حال خود رها کند. بلکه موظف است با بازطراحی مداوم نهادها از سیستم مالیاتی و قوانین بازار کار تا شبکه تأمین اجتماعی زمینه‌های ساختاری تولید فقر را از بین ببرد و امکان خروج از دام محرومیت را برای همگان فراهم آورد. این مسئولیت، نقطه‌ی مقابل نگرش رایج در اقتصاد لیبرال است که در بهترین حالت، فقرا را با کمک‌های بشردوستانه‌ی داوطلبانه و موقت مدیریت می‌کند، بدون آنکه ساختارهای تولیدکننده‌ی نابرابری را به چالش بکشد.



جمع بندی تحلیلی

تحلیل آیات سوره مومنون نشان می‌دهد که اقتصاد در حکمرانی مومنانه، بر سه پایه اساسی استوار است: تولید پایدار و خداداد (تأکید بر منابع اساسی و زیرساخت‌ها)، توزیع عادلانه و الزام‌آور (نهاد زکات به مثابه یک سیاست حکومتی) و پاکی اخلاقی و مصون‌سازی سیستم (نفی فقر به عنوان یک نارسایی سیستمی). در این نگاه، اقتصاد جزئی از عبادت و ابزاری برای قرب الهی تلقی می‌شود. بنابراین، هیچ فعالیت اقتصادی در خلأ اخلاقی مجاز نیست و توسعه زیرساخت‌ها و رشد اقتصادی، تنها در صورتی ارزشمند است که به تحکیم عدالت و کرامت انسانی بینجامد، نه آنکه به تشدید نابرابری و فساد دامن زند.

۳.۳.۳. ابعاد فرهنگی - اجتماعی حکمرانی مومنانه

۳.۳.۳.۱. کارآمدی و عقلانیت در حکمرانی: پرهیز از «لغو» در سطح سیستم

یکی از شاخص‌های حکمرانی مومنانه، عقلانیت، هدفمندی و پرهیز از هرگونه اتلاف منابع است. این اصل کلیدی در مدیریت جامعه را می‌توان با توسعه مفهومی که قرآن کریم در آیه ۳ سوره مؤمنون بیان می‌دارد، تبیین نمود: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ». در گستره حکمرانی، «لغو» به هرگونه برنامه، سیاست، طرح نمایشی یا هزینه‌ای اطلاق می‌شود که فاقد توجیه عقلانی، فایده اجتماعی مشخص یا بازده اقتصادی پایدار باشد. این مفهوم، پروژه‌های عظیم اما بی‌ثمر، سیاست‌های پوپولیستی صرفاً برای جلب رأی، بوروکراسی زائد و تشریفات وقت‌گیر را در برمی‌گیرد. حکومتی که به این اصل پایبند است، منابع ملی (اعم از سرمایه، زمان و نیروی انسانی) را که امانتی الهی و مردمی هستند، در مسیری هدر نمی‌دهد که به رشد واقعی، عدالت یا بهبود کیفیت زندگی مردم منجر نشود. این نگاه، کارآمدی را نه تنها یک ارزش والای مدیریتی، که یک تکلیف دینی و مسئولیتی در برابر مردم قلمداد می‌کند.

در سطح حکمرانی، این اصل به معنای پرهیز از سیاست‌های بی‌هدف، غیرعقلانی و کوتاه‌نگر است. حاکم مومن نباید تحت تأثیر هیجانات جمعی، فشارهای رسانه‌ای یا وسوسه‌های قدرت، تصمیماتی اتخاذ کند که فاقد پشتوانه عقلانی و هدف بلندمدت باشند. در مقابل، باید در تمامی تصمیمات خود، «هدفمند»، «برنامه‌ریزی شده» و «مسئولانه» عمل کند. هر سیاستی که بدون هدف و برای جلب رأی یا شهرت اتخاذ شود، در حکمرانی مومنانه مذموم است، چرا که چنین رویکردی، نه تنها منابع عمومی را هدر می‌دهد، بلکه اعتماد عمومی به نظام را نیز تضعیف می‌کند.

این اصل، در مدیریت اسلامی به عنوان «اصل تدبیر» شناخته می‌شود که در آن، هر اقدامی باید با هدف‌شناسی، برنامه‌ریزی دقیق، بررسی پیامدها و ملاحظه‌ی مصلحت عمومی همراه باشد. در روایات اسلامی، پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «التَّدْبِيرُ نَصْفُ الْعَيْشِ»، که نشان می‌دهد عقلانیت و برنامه‌ریزی، نه یک فضیلت فرعی، بلکه نیمی از زندگی انسان است. این دیدگاه، در تقابل کامل با سیاست‌های احساسی، تصادفی یا ایدئولوژیک بی‌پایه است که در بسیاری از نظام‌های معاصر، منجر به بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شده است. در حکمرانی مومنانه، «عقل» و «وحی» دو بال یک پرند هستند؛ عقل، ابزار تشخیص راه‌حل‌هاست و وحی، چراغ راه و معیار ارزش‌گذاری. بنابراین، تصمیم‌گیری بدون عقل، سست‌بنیان است و تصمیم‌گیری بدون وحی، گمراه‌کننده. ترکیب این دو، زمینه‌ساز حکمرانی‌ای هدفمند، پایدار و انسان‌محور می‌شود که نه تنها به نیازهای مادی جامعه پاسخ می‌دهد، بلکه روح و هویت آن را نیز حفظ می‌کند.

۳،۳،۲. تبلیغ و اقناع مبتنی بر منطق: ویژگی «منطق نیرومند»

در بخش دوم سوره مومنون، با بازگویی داستان‌های پیامبرانی مانند نوح، هود، موسی و عیسی (علیهم‌السلام)، تأکید می‌شود که آنان با حکمت، موعظه حسنه و منطق نیرومند با مخالفان خود مواجه شدند. نه با زور، تهدید یا اجبار. برای مثال، حضرت نوح (ع) صد‌ها سال با قوم خود «يَدْعُوهُمْ إِلَى اللَّهِ» (نوح: ۶) و با صبر و استدلال، آنان را دعوت کرد. (مغنیه، ۱۳۸۶: ۱۷۸) این رویکرد، نشان‌دهنده‌ی این است که در حکمرانی مومنانه، گفتمان‌سازی، اقناع عقلانی و الگوسازی عملی جایگاه اصلی دارد.

حاکم مومن باید با استدلال، منطق و ارائه الگوهای عملی، مردم را متقاعد کند نه با تهدید و اجبار. این رویکرد، با مفاهیم دموکراسی‌گفتمانی یورگن هابرماس و ارتباطات عقلانی هم‌خوانی دارد. هابرماس بر این باور است که تصمیمات سیاسی باید از طریق گفت‌وگوی آزاد و عقلانی بین شهروندان شکل بگیرد، نه از طریق قدرت یا اقتدار. (هابرماس، ۱۴۰۴: ۱۷۹) اما تفاوت اساسی این است که در حکمرانی مومنانه، منطق بر پایه‌ی وحی و عقل تکمیل شده است، نه صرفاً بر اساس عقلانیت سکولار که گاهی خود را معیار مطلق می‌داند و از ارزش‌های متعالی جدا می‌شود.

در این نظام، قدرت گفتار، نه در بلندی صدا، بلکه در عمق استدلال و زیبایی بیان است. پیامبران الهی، هرگز از زبان تحقیر یا تهدید برای جلب پیروان



استفاده نکردند؛ بلکه با «موعظه حسنه»، یعنی سخنی که هم قلب را نوازد و هم عقل را متقاعد کند، (هاشمی، ۱۳۷۹: ۵۴) مردم را به سوی حق دعوت کردند. این رویکرد، در حکمرانی مومنانه، به معنای احترام به عقل عمومی، گفت‌وگوی فرهنگی و ایجاد فضایی برای مشارکت آگاهانه‌ی شهروندان است. بنابراین، حکمرانی مومنانه، نه یک نظام تحمیلی، بلکه یک «جامعه‌ی هم‌آگاه» است که در آن، تصمیمات از طریق درک مشترک از حقیقت و منافع جمعی شکل می‌گیرد. این درک، نه با سانسور و کنترل، بلکه با آموزش، گفت‌وگو و الگوسازی فراهم می‌شود. در چنین فضایی، مردم نه به خاطر ترس از مجازات، بلکه به خاطر ایمان به عدالت و حق، از قوانین پیروی می‌کنند و این، بالاترین سطح مشروعیت حکومت است.

۳،۳،۳. ارشاد و انذار به مثابه سیاست فرهنگی

وظیفه حکومت در سوره مومنون، تنها محدود به امنیت و اقتصاد نیست، بلکه شامل «ارشاد» و «انذار» نیز می‌شود. این دو مفهوم، که در بسیاری از آیات قرآن، به ویژه در داستان‌های پیامبران تکرار شده‌اند، نشان‌دهنده مأموریت فرهنگی و تربیتی حکومت اسلامی هستند. «ارشاد» به معنای هدایت به سوی حق، خیر و فلاح است، در حالی که «انذار» به معنای هشدار در برابر انحراف، فساد و عواقب گمراهی است. این دو وظیفه، در کنار یکدیگر، یک سیاست فرهنگی جامع‌رأتشکیل می‌دهند که هم مثبت (تشویق به خیر) و هم منفی (پیشگیری از شر) است.

در این چارچوب، حکومت موظف است تا با بهره‌گیری از تمامی ابزارهای فرهنگی، از جمله رسانه‌ها، آموزش و پرورش، خطبه‌ها، هنر، ادبیات، فضای مجازی و سیاست‌های عمومی - فضایی را فراهم کند که در آن، ارزش‌های الهی، عقلانی و اخلاقی، به صورت زنده و مؤثر در جامعه گردش کند. این کار نباید به صورت تحمیلی یا سرکوب‌گرانه انجام شود، بلکه باید با حکمت و موعظه حسنه (نحل: ۱۲۵) صورت گیرد؛ یعنی با استدلال، زیبایی بیان، الگوسازی و ایجاد انگیزه درونی در افراد. در این رویکرد، حکومت نه به عنوان یک ناظر سخت‌گیر، بلکه به عنوان یک هدایت‌گر و تسهیل‌گر ظاهر می‌شود که زمینه‌های رشد معنوی و اخلاقی را فراهم می‌آورد.

این وظیفه، در نظام‌های مدرن، به سیاست‌گذاری فرهنگی و هویت‌سازی معروف است. دولت‌های معاصر نیز حتی در جوامع لائیک به نوعی به ساخت هویت ملی، ارزش‌های اجتماعی و خط فرهنگی مشخص توجه دارند. اما تفاوت بنیادین این است که در حکمرانی مومنانه، این سیاست‌گذاری بر اساس «حق» و «هدایت الهی» است، (مکارم، ۱۳۷۸: ۱۴۵) نه بر اساس سلیقه حاکم،

اکثریت‌گرایی، یا جریان‌های فکری متغیر. در جوامع سکولار، فرهنگ اغلب ابزاری برای تثبیت قدرت یا ترویج مصالح گروهی است، در حالی که در حکمرانی ایمان محور، فرهنگ وسیله‌ای برای تحقق «فلاح انسانی» در دو جهان است. بنابراین، فرهنگ در این نظام، نه ابزاری برای کنترل، بلکه وسیله‌ای برای آزادی انسان از غفلت و انحراف است. این آزادی، آزادی از اسارت نفس، هوس، تبلیغات فریبنده، فرهنگ مصرف‌گرایی و ساختارهای فکری غیرانسانی است. در این دیدگاه، حکومت موظف است تا فضایی را فراهم کند که در آن، انسان بتواند با آگاهی کامل و بدون فشارهای غیرمنصفانه، به سوی کمال و رستگاری حرکت کند. این رویکرد، با اصل اختیار الهی و مسئولیت اخلاقی در اسلام همخوانی کامل دارد؛ چرا که خداوند خود، با وجود قدرت مطلق، هرگز انسان را مجبور به ایمان نکرده، بلکه «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲) بوده است.

در این چارچوب، سیاست فرهنگی حکومت مومنانه، نه تنها مشروع است، بلکه ضروری محسوب می‌شود؛ چرا که بدون هدایت فرهنگی، حتی امنیت و عدالت نیز نمی‌توانند پایدار باشند. جامعه‌ای که در آن، ارزش‌های اخلاقی و معنوی تضعیف شده باشند، حتی با وجود ثروت و قدرت نظامی، در معرض سقوط درونی است. از این رو، ارشاد و انذار، نه یک وظیفه فرعی، بلکه یکی از محورهای اصلی حکمرانی ایمان محور محسوب می‌شود که همگام با سایر ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی، به ساخت «جامعه رستگاران» کمک می‌کند.

جمع بندی تحلیلی این بخش

حکمرانی مومنانه در عرصه فرهنگ، ماهیتی هدایت‌گر و توانمندساز دارد، نه کنترلی و تحمیلی. سه رکن اصلی این بُعد - عقلانیت و پرهیز از لغو، اقناع مبتنی بر منطق و گفتمان، و سیاست ارشاد و انذار - نشان می‌دهد که وظیفه اصلی حکومت، ایجاد فضایی برای گزینش آگاهانه مردم است. این مدل، با بهره‌گیری از حکمت و موعظه حسنه، به دنبال مهندسی افکار عمومی از طریق زور نیست، بلکه می‌کوشد با تقویت عقلانیت جمعی و ارائه الگوهای جذاب، زمینه‌های درونی شدن ارزش‌ها و هنجارهای الهی را در کالبد جامعه فراهم آورد. در این پارادایم، فرهنگ، بستر نهایی تحقق جامعه رستگاران است.

۴. الگوی پارادایمی حکمرانی مومنانه: ترسیم مدل نهایی

بر اساس فرآیند نظام مند کدگذاری که در بخش روش‌شناسی تشریح شد، مدل نهایی حکمرانی مومنانه در قالب الگوی پارادایمی ارائه می‌گردد. این الگو که در شکل زیر ترسیم شده است، روابط بین مقوله‌های اصلی را نمایش می‌دهد.



مقوله محوری: جامعه رستگاران (فلاح جمعی)
 علل علی: توحید و جهان بینی ایمانی (به عنوان بنیان فکری)
 شرایط زمینه ساز: اخلاق فردی و معنویت عملی / قانونمندی و پایبندی به عهد
 شرایط مداخله گر: الهام گیری از الگوهای تاریخی / مسئولیت پذیری اجتماعی
 راهبردها: عدالت اقتصادی و مسئولیت مالی (مانند زکات) / امنیت جامع /
 وحدت گرایی و مبارزه با تفرقه / کارآمدی و عقلانیت (پرهیز از لغو) / ارشاد و انذار
 پیامدها: تحقق حکمرانی مومنانه و استقرار «جامعه رستگاران»

مقوله	مفاهیم کلیدی	نمونه شواهد آیات سوره مومنون
مقوله محوری: جامعه رستگاران	فلاح، رستگاری جمعی، تحقق صفات مؤمنان در سطح جامعه	آیات ۱۱-۱ آیات (صفات مؤمنان رستگار)
علل علی: توحید و جهان بینی ایمانی	ربوبیت الهی، عبودیت، رد شرک	آیات ۹۰-۸۴ (استدالات توحیدی)
راهبردها: عدالت اقتصادی	زکات، توزیع ثروت، مسئولیت مالی	آیه ۴ (وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ)
راهبردها: قانونمندی	امانت داری، رعایت عهد	آیه ۸ (وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ)
راهبردها: کارآمدی و عقلانیت	پرهیز از لغو، هدفمندی	آیه ۳ (وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ)

جدول ۱: نمونه شواهد قرآنی مقوله های محوری در الگوی پارادایمی

این مدل به وضوح نشان می دهد که چگونه «توحید» به عنوان علت بنیادین، در بستر «اخلاق و قانونمندی» و تحت تأثیر «تاریخ و مسئولیت پذیری»، منجر به اتخاذ راهبردهای جامع در عرصه های اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و سیاسی می شود و در نهایت، پیامد نهایی خود که همان «جامعه رستگاران» است را محقق می سازد.

۵. نتیجه گیری

این پژوهش با هدف اصلی «استخراج الگوی حکمرانی مومنانه از سوره مومنون» و در پاسخ به پرسش محوری درباره «سازوکارهای نهادینه سازی ارزش های ایمانی در ساختار حکمرانی» آغاز شد. یافته های به دست آمده از تلفیق روش های «تفسیر ساختاری» و «نظریه داده بنیاد» نشان داد که سوره مومنون نه فهرستی پراکنده از توصیه های اخلاقی، بلکه «مهندسی نظام مند یک جامعه آرمانی» را ارائه می دهد که در آن «ایمان» به عنوان هسته مرکزی، تمامی شئون حکمرانی

را سامان می بخشد.

پیوند مستقیم یافته‌ها با هدف پژوهش در قالب الگوی نهایی (شکل ۱) تجسم یافت که «جامعه رستگاران» را به عنوان مقوله محوری و غایت نهایی حکمرانی مومنانه معرفی می‌کند. این الگو به طور مشخص نشان می‌دهد که قرآن برای نهادینه‌سازی ایمان، سازوکارهای عملیاتی مشخصی را پیشنهاد می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

سازوکار قانونمندی: تبدیل ارزش «امانت» و «عهد» (آیه ۸) به پایه مشروعیت حکومت.

سازوکار توزیع ثروت: تبدیل «زکات» (آیه ۴) از یک عبادت فردی به یک نهاد اقتصادی الزام‌آور حکومتی.

سازوکار انسجام بخشی: تبدیل «توحید» از یک باور کلامی به اصل بنیادین برای وحدت سیاسی و اجتماعی (آیه ۵۲).

سازوکار عقلانیت: تبدیل «پرهیز از لغو» (آیه ۳) به معیاری برای ارزیابی کارآمدی تمامی سیاست‌ها و پروژه‌ها.

به این ترتیب، این پژوهش به هدف خود دست یافت و نشان داد که سوره مومنون چارچوبی جامع و کاربردی برای حکمرانی ارائه می‌دهد که در آن، ارزش‌های ایمانی در قالب ساختارهای نهادی (مانند نهاد زکات)، فرآیندهای مدیریتی (مانند پایبندی به عهد) و راهبردهای کلان (مانند وحدت‌گرایی) متبلور می‌شوند. این الگو می‌تواند به عنوان سندی بومی و الهی در طراحی نظام‌های سیاسی-اجتماعی و نیز معیاری برای نقد الگوهای وارداتی سکولار به کار رود و گامی در راستای تحقق آرمان «تمدن اسلامی» برآید.

پیشنهادات پژوهشی

۱. توسعه الگو با استفاده از سایر سوره‌ها: پیشنهاد می‌شود این الگو با تمرکز بر سوره‌هایی مانند نور، مائده، شورا، رعد و ... توسعه یابد تا یک «نظریه کلی حکمرانی قرآنی» شکل گیرد.

۲. تطبیق با نظریه‌های مدرن: مقایسه این الگو با نظریه‌هایی مانند «حکمرانی خوب»، «اقتصاد رفاه» و ... می‌تواند به غنای نظری و کاربردی آن بیفزاید.

۳. طراحی شاخص‌های عملیاتی: تبدیل مؤلفه‌های این الگو به شاخص‌های قابل اندازه‌گیری برای ارزیابی عملکرد دولت‌های اسلامی.

۴. مطالعات میدانی: بررسی میزان تحقق این مؤلفه‌ها در جوامع اسلامی معاصر — به ویژه در جمهوری اسلامی ایران.



منابع

قرآن کریم

۱. نهج البلاغه

۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۳) انسان کامل. تهران: صراط.

۳. اراکی، محسن، (۱۳۹۳) فقه نظام اقتصادی اسلام، قم: موسسه امام خمینی (ره)

۴. هابرماس، یورگن (۱۴۰۴) نظریه کنش ارتباطی. ترجمه کمال پولادی، تهران: انتشارات مرکز.

۵. زارع، سعید، (۱۴۰۴) حکمرانی در اسلام: از نظریه تا عمل: نگاهی به ولایت فقیه، خلافت اسلامی، دولت اسلامی و امارت اسلامی، تهران: رزا.

۶. عابدی جعفری و سایر (۱۳۹۰) تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، ش ۲، پاییز و زمستان، ص ۱۵۱-۱۹۸

۷. خامه گر، محمد (۱۳۹۷) تفسیر ساختاری قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

۸. خامه گر، محمد (۱۳۸۲) روش استنباط گزاره های سیاسی از ساختار سوره های قرآن، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۲، تابستان، ص ۴۹-۶۶

۹. ----- (۱۳۸۱) ساختار هندسی سوره های قرآن / درآمدی بر تفسیر ساختاری قرآن، مجله گلستان قرآن، ش ۱۳۸، اول دی

۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران: انتشارات محمدی، ۱۳۵۶.

۱۱. ابوالحسن، بامداد صوفی، کامیار (۱۳۷۸) کثرت گرایی روش تحقیق در پژوهش های سازمانی، فصلنامه مدیریت، شماره ۲۱ و ۲۲.

۱۲. غروی، سعیده (۱۳۹۴)، تفسیر ساختاری سوره یس با تاکید بر تفسیر المیزان، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، سال ششم، بهار، شماره ۲۱.

۱۳. خرقانی، حسن، هماهنگی و تناسب در ساختار قرآن، تهران: قلمرو ۱۳۸۰.

۱۴. مغنیه، محمد جواد، تفسیر کاشف، ترجمه موسی دانش، جلد ۵، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

۱۵. منصوریان، یزدان (۱۳۸۶)، گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد، ویژه نامه همایش علم اطلاعات و جامعه اطلاعاتی، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

۱۶. مهرابی، امیر حمزه، حسین خنقیر، علی نقی امیری، حسن زارعی متین، غلامرضا جندقی، معرفی روش شناسی نظریه داده بنیاد برای تحقیقات اسلامی (ارائه یک نمونه)، مدیریت فرهنگ سازمانی، سال نهم، شماره بیست و سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۰

۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸ ج ۱۴

۱۸. هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان تفسیر راهنما، جلد ۱۲، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۹.



دوره چهارم

شماره دوم

پیاپی: ۸

پاییز و زمستان

۱۴۰۴

Resources:

1. The Holy Quran
2. Nahj al-Balagha
3. Motahhari, Morteza. (2004) The Perfect Man. Tehran: Sirat.
4. Araki, Mohsen, (2014) Jurisprudence of the Islamic Economic System, Qom: Imam Khomeini Institute
5. Habermas, Jurgan (2015) Theory of Communicative Action. Translated by Kamal Polladi, Tehran: Markaz Publications.
6. Zare, Saeed, (2015) Governance in Islam; From Theory to Practice: A Look at the Velayat al-Faqih, Islamic Caliphate, Islamic State and Islamic Emirate, Tehran: Rosa.
7. Abedi Jafari et al. (2011) Content analysis and content network: A simple and effective method for explaining patterns in qualitative data, Strategic Management Thought (Management Thought), No. 2, Fall and Winter, pp. 151-198
8. Khamegar, Mohammad (2018) Structural interpretation of the Quran, Qom: Hajj and University Research Institute
9. Khamegar, Mohammad (2003) Method of inferring political propositions from the structure of the Quranic suras, Political Science Quarterly, No. 22, Summer, pp. 49-66
10. -----(2002) Geometric structure of the Quranic suras / An introduction to the structural interpretation of the Quran, Golestan Quran Magazine, No. 138, January 1
11. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, Tafsir al-Mizan, translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamadani, Tehran: Mohammadi Publications, 1977.
12. Faghihi, Abolhasan, Bamdad Sofi, Kamyar (1999) Pluralism of research methods in organizational research, Management Quarterly, No. 21 and 22. Gharavi, Saeeda (2015), Structural interpretation of Surah Yas with emphasis on Al-Mizan interpretation, Scientific-Research Quarterly Journal of Interpretive Studies, Year 6, Spring, No. 21
13. Kharaghani, Hassan, Harmony and Proportion in the Structure of the Quran, Tehran: Tafsir al-Kashef, 2001.
14. Mughniyeh, Mohammad Javad, Tafsir al-Kashef, translated by Musa Danesh, Volume 5, Qom: Boştan Ketab, 2007.
15. Mansourian, Yazdan (2007), What is Grounded Theory and What is its Application, Special Issue of the Conference on Information Science and Information Society, Isfahan: University of Isfahan.
16. Mehrabi, Amir Hamzeh, Hossein Khanfir, Ali Naghi Amiri, Hassan Zarei Martin, Gholamreza Jandaghi, Introducing Grounded Data Theory Methodology for Islamic Research (Presenting an Example), Organizational Culture Management, Year 9, Issue 23, Spring and Summer 2011
17. Makarem Shirazi, Nasser, Tafsir Nomneem, Tehran: Daral-e-Kutb al-Islamiyya, 1378, vol. 14
18. Hashemi Rafsanjani, Akbar and a group of scholars of Tafsir Rahmanah, vol. 12, Qom: Boştan-e-Ketab, 1379.